



۲۰۲۱/۰۸/۲۳



عبدالقیوم میرزاده

## وضعیت کشور و تبلیغات گمراه کننده

امریکا در تبنانی با کستان با داخل کردن طالبان خون آشام و حاکم ساختن شان بر سرنوشت مردم افغانستان یکبار دیگر در روند مداخلات فاجعه بار، بیشرمانه و ضد انسانی صفحه سیاهی را بر تاریخ کشور ما افغانستان افزودند.

در این روز ها تبلیغات سیل آسا از جانب استعمار گران و همکاران وطن فروش افغانی شان جریان دارد تا رُخ همه تجاوزات ننگین امریکا و متحدینش و سکوت مرگبار جهانی مبنی برحاکم سازی طالبان با زور سرنیزه، فشارنظامی، سیاسی و اقتصادی را متوجه تنها رئیس جمهورافغانستان ساخته که گویا او همه را فریب داده، اطلاعات نادرست در قبال چگونگی دفاع کشور به جهانیان ارائه کرده و خلاصه او مسئول این همه بوده یعنی اوبرای طالبان تروریست در قطر با مصرف میلیارد ها دالر دفتر و دیوان ساخته، او این تروریستان را از زندانهای پاکستان آزاد کرده و با پاسپورت های معتبر جهانی روانه پایتخت های اقصی نقاط جهان کرده، او بوده که بوسیله طالبان در مناطق تحت سیطره بزرگترین قطعات نظامی ۱۲۰ تا ۱۸۰ هزار نفری امریکا و انگلیس ده ها هزار تن تریاک و هیرئین تولید و صادر کرده است، او با طالبان تروریست باب مذاکره را گشوده و با آنها توافقنامه امضا کرده است و او این تروریستان وحشی را با طیاره های مخصوص شبانه به تمام نقاط افغانستان منتقل ساخته و ده ها هزار میل سلاح را در اختیار ایشان قرار داده است و او بوده که اول ولسوالیها بعداً ولایات را در اختیار طالبان قرار داده و بلاخره او بوده که ارگ ریاست جمهوری را در موجودیت حدود شش هزار نظامی امریکایی و انگلیسی به طالبان تسلیم کرده است و وطن فروشان خاین که این همه سال بر ضد حاکمیت ملی و اتحاد مردم به نفع دشمنان قسم خورده ای کشور ما اقدام عملی و تبلیغ کرده اند این تبلیغات را هم دامن زده و مردم را به خودشان، بوطن شان و به آرمانهای ملی شان بی باور ساخته و به این ترتیب کوچکترین روزنه های وحدت ملی را در کشور هم به سیاهی میکشند، امریکا و کشور های غربی مقتضاحانه تلاش دارند تا قشر باسواد و متخصص کشور را با عالمی از زبونی و بیچارگی از کشور خارج سازند. تصاویر میدان هوایی کابل نمونه از نهایت زبونی، بیچارگی و بی حرمتی مردمی را به جهانیان نشان میدهد که از ماوای اجدادی شان بیزار اند و با قبول هر نوع ذلت و خواری در پی فرار از کشور اند. گرچه رُخ دیگر این تصاویر قساوت و بیرحمی طالبان و نفرت مردم از طالبان وحشی و سیطره طالبانی را به نمایش میگذارد اما در هر حالت این تصاویر چنان تراژیدی بزرگی را نمایش میدهد که جهانیان را تکان داد و رهبران جهان را مورد بازپرس مردمش ساخت.

در این جای شک نیست که تمام اتفاقات خونبار، دردناک و غمبارتسلیمی کشور به طالبان و حوادث میدان هوایی کابل دقیقاً سازمان یافته دست استخبارات امریکا در همکاری تنگاتنگ پاکستان و خابنینی چون عبدالله عبدالله، کرزی، دوستم، قانونی، عطا، محقق، خلیلی، بسم الله محمدی، صلاح الدین ربانی و سایرین میباشد. اما نقش منفعل مردم رادر قبال این حوادث حزن انگیز نباید نادیده انگاشت. مسئولین اداره کشور در سال ۲۰۱۴ از همان آغاز که امریکا مشروعیت بخشی طالبان را آغاز کرد و در صدد تضعیف اداره دولت افغانستان گردید مردم را در جریان قرار داد. وقتاً فوقتاً در بسیاری از اتفاقات که در عرف جهانی معمولاً در پشت پرده اتفاق می افتد و مردم از اصل ماجرا پیوسته بی خبر میمانند از طریق درز دادن اطلاعات به رسانه های خبری از زد و بند های ضد ملی امریکا در تبنانی با عبدالله عبدالله خاین و

دیگران، نوکران امریکا و پاکستان مردم را باخبر ساخت اما متأسفانه ده ها هزار تن از مردم به عوض آگاه شدن از ماجرا های ضد ملی بر عکس در پشتیبانی از عبدالله خاین تا دیوار های ارگ رسیدند و مصمم بودند از دیوار های ارگ بالا بروند. این حوادث و حوادث مشابه قبل و بعد در کشور ما نشاندهنده این امر است که مردم ما با سطح آگاهی نازل و کمترین درک از منافع ملی کشور در بسیاری از برهه های فیصله کن تاریخ جانب خاین را گرفته و تیشه به ریشه خویش زده اند و در فرجام وطن و ماوای خویش را ویرانه ساخته و با ذلت، حقارت و خواری زندگی فلاکت بار را به خود و فرزندان خویش به ارمغان آورده اند.

در این ماتم کده یا قربانگاه بنام افغانستان که چهل سال و اندی مردمش اسمعیل وار در زیر پای منافع روس، امریکا، پاکستان، ایران و دیگران قربانی میگردند و کشور بار بار به خرابه مبدل گشت حالا جوانک از همه جا بی خبر چون سلف نا عاقبت اندیش اش اعلان جنگ سرداده و احتمالاً کشور یا کشور هایی در بدل اشتعال جنگ در افغانستان وعده هایی بوی داده اند و دقیقاً این همان پلان امریکا است که با پورش طالبان مصمم بود جنگ داخلی در بگیرد و با مانور هایی در درون کشور ناکام ماند و خوشبختانه تا کنون جنگ داخلی در نگرفته است.

علم اجتماع و تجربه کشور ما و جهان به اثبات رسانیده است که جنگ نه تنها راه حل معضلات نبوده بلکه هر جنگی بر علاوه معضل عامل جنگ صد ها معضله، بحرانات و دشواری های دیگر را در قبال داشته که کشوری چون افغانستان هرگز قادر به مدیریت این معضلات و بحرانات نبوده و همانطوریکه حمایت گران جنگ سکان جنگ را در دست دارند سکان بحرانات را نیز در دست داشته و ملت ما جز تلفات انسانی، زبونی، فلاکت و ویرانی چیزی بهره نمیداشته باشند.

رخداد های بر افراشتن بیرق سه رنگ ملی ما در ولایات کشور و به پا خاستن زنان و داد خواهی زنان برای مشارکت در امور جامعه با آنکه از لحاظ کمیت ناچیز بود ولی از کیفیت بزرگ برخوردار بود این امید را نوید میدهد که تنها از طریق اعتراضات مدنی گاندی وار میتوان قابلیت اجرایی اداره تروریستان طالب را در کشور تضعیف کرد و با متانت و حوصله مندی تمام و قبول همه خطرات احتمالی مدیریت بحران را مردم در دست گیرند.



برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده روی عکس کلیک کنید